

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسماعیل حسین زاده *
برگردان از: حمید محوی
۲۷ نومبر ۲۰۱۳

چرا مذاکرات هسته‌ئی با ایران شکست خورد؟

ما این مقاله تاریخ شناس امریکانی را برای ترجمه انتخاب کردیم زیرا به شکل دقیق و موşkافانه محتوای توافقات هسته‌ئی ایران را در چشم انداز سیاسی گسترده تری مورد بررسی قرار می دهد. چه کسی می داند چگونه طنز تاریخ، فرانسه در نقش پولیس بد، و اوباما در نقش پولیس خوب به ایران خواهد آموخت که بدون توازن نیرو مذاکرات بی ارزش خواهد بود.

مرکز مطالعات جهانی سازی



مذاکرات بین ایران و آن چه را که ۱+۵ می نامند و عبارت است از قدرت های جهانی، ۷ نومبر آغاز شد و طی سه روز به طول انجامید، و با افسردگی به پایان رسید زیرا به تشخیص فرانسه کنترل روی فن آوری هسته‌ئی ایران کافی نبوده و با توافقات مخالفت کرد. این که فرانسه به شکل مستقل مخالفت کرده باشد و یا بر اساس ستراتیژی قدیمی پولیس خوب و پولیس بد، این مسأله ارزش ثانوی دارد. مهمترین مسأله این است که علی رغم واگذاری امتیازات مهم یکجانبه از سوی مذاکره کنندگان ایرانی، قدرت های اتمی غرب از درخواست و پیشنهاد خود برگشتند.

اگر چه جزئیات مسأله‌ئی که طی این سه روز مذاکره مطرح گردید به عنوان پرونده «محرمانه» حفظ شد، به ویژه از سوی ایران، ولی اطلاعات منتشر شده از سوی مذاکره کنندگان غربی حاکی از این امر است که با امضای توافقتنامه، مذاکره کنندگان ایرانی حاضر هستند که :

الف : توقف غنی سازی اورانیوم ۲۰ درصدی

ب : خنثی سازی ذخیره فعلی سوخت ۲۰ درصد غنی شده به عنوان بالاترین درجه غنی سازی

پ : پذیرش محدودیت برای غنی سازی تا سه و نیم درصد

ت : امتناع از کاربست سانتریفوژهای جدید برای غنی سازی اورانیوم، که می تواند نسبت به مدل های قدیمی ۵ برابر بیشتر سوخت اتمی را غنی سازی کند

ث : مجوز پر نفوذتر برای بازرسان

ج : توقف رآکتور آب سنگین اراک که می تواند پلوتونیوم تولید کند

به ازای پذیرش این مفاد ایران چه چیزی به دست آورد؟ بی هیچ امتیاز قابل توجهی، ایالات متحده و هم پیمانانش موافقت کردند که :

الف : آزاد سازی پول های ایرانی، چند ده میلیارد دلار که در حساب های بانکی خارجی، به ویژه در چین، کره جنوبی و ژاپن مسدود شده است.

ب : بررسی امکان انعطاف پذیر ساختن تحریم هائی که روی تجارت فلزات گرانبها و محصولات پتروشیمی اعلام کرده بودند.

با وجود بی عدالتی در رابطه با ایران مبنی بر قراردادی که بر اساس واگذاری یکجانبه است، نه ایران بلکه طرف مذاکره کننده بود که علیه پیشنهادات خود معترض شد. حال باید بدانیم که چرا؟

مذاکره در فقدان حسن نیت :

برنامه هسته ئی ایران به عنوان بهانه برای تغییر رژیم

این موضوع که ایالات متحده و دیگر قدرت های غربی پیشنهادات خودشان را در متن قرارداد تأیید نکرده اند، نشان انکار پذیری است از وفاداری به الگوی چندین مذاکره که طی دهه گذشته در سطح بین المللی داشته اند. واقعیت این است که قدرت های اتمی غرب با دل پاک وارد مذاکره نشدند : آنها درخواست کردند که ایران تعدادی امتیاز یک جانبه را برای آنها بپذیرد، و فکر می کردند که ایران این پیشنهادات را نخواهد پذیرفت. ولی وقتی مذاکره کننده های ایرانی تصمیم گرفتند قرار داد موقتی را امضاء کننده قدرت های اتمی غرب واپس کشیدند.

دلایل حذف طرح قرارداد که مذاکره کنندگان غربی رسماً اعلام کردند، از جمله، مرتبط بود به آینده رآکتور هسته ئی آب سنگین اراک، ذخیره اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی و حد و حدود بازرسی. با این وجود، دلیل اصلی که مقامات رسمی و رسانه های ایرانی (و تأیید شده توسط مذاکره کنندگان روسی) موضوع دیگری را مطرح می سازد.

ایالات متحده و هم پیمانانش به مذاکره کنندگان ایرانی قول داده بودند که اگر طی ۶ ماه ایران کاملاً به تعهداتش در چهار چوب قرارداد موقت با موفقیت عمل کرده و جلب اعتماد کند، در پایان این دوره از امتیازات زیر برخوردار خواهد بود :

الف : بازشناسی حق قانونی ایران در فن آوری هسته ئی صلح آمیز.

ب : بازشناسی حق غنی سازی اورانیوم در حد ۵ درصد، در حد ضروری برای مراکز هسته ئی.

پ : حذف تحریمات مرتبط به صادرات نفت خام و دسترسی به خدمات نظام بانکی در سطح بین المللی.

سال ۲۰۰۵، قول و قرارهای مشابهی ایران را به تعلیق برنامه غنی سازی اورانیوم به شکل یک جانبه و بی آن که در تحریمات اقتصادی انعطافی صورت پذیرد، تشویق کرد. با توجه به چنین تجربه ای، مذاکره کنندگان ایران اصرار

داشتند که وعده‌ها به شکل نوشته ثبت شود و فقدان پاکدلی قدرت‌های اتمی غرب وقتی آشکار شد که از تعهداتشان به شکل نوشته رسمی امتناع کردند.

در اینجا می‌بینیم که یک بار دیگر، منشور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که به روشنی حق کشورهای عضو را در مورد فن آوری هسته‌ای صلح‌آمیز به رسمیت می‌شناسد، نقض می‌گردد، هدف اصلی ایالات متحده و هم پیمانانش نفی چنین حق قانونی برای ایران است. ولی این موضوع به شکل کاملاً روشن و اساسی نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران به عنوان بهانه برای تبدیل ایران از یک کشور حاکم و مستقل به یک کشور مشتری و وابسته است. این گونه به نظر می‌رسد که رهبران ایرانی به انگیزه‌های پنهان ایالات متحده و هم پیمانانش در مذاکرات هسته‌ای آگاه هستند. با این وجود، دوباره و چند باره به پای میز مذاکره می‌آیند - که از دیدگاه ایالات متحده و هم پیمانانش یک کارناوال مسخره چیز بیشتری نیست. ایران با آمدن به پای میز مذاکره تنها به دشمنانشان امکان تازه‌ای می‌دهد که تحریم‌هایشان را تقویت کنند. چرا؟ چرا باز هم یک گام جلوتر برای افتادن در دام؟

اشتباه در محاسبات ایران

پاسخ رایج و دائمی به این پرسش، این است که به دلیل تحریم‌های سخت و تهدید جنگ، ایران خود را به ادامه مذاکرات هسته‌ای مجبور می‌بیند حتی اگر امیدی به نتایج آن نداشته باشد. اگر حقیقتی در این توضیحات وجود داشته باشد، علت اصلی اشتباه بزرگ در محاسبات تصمیم‌گیرنده‌های سیاست هسته‌ای ایران است.

محاسبه ایران همیشه بر این اساس بوده است که به دلیل برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، و رعایت منشور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نباید از مذاکرات بی‌می به خود راه دهد. به عبارت دیگر، از آنجائی که ایران حقیقت را می‌گوید، ایرانی‌ها فکر می‌کنند که سرانجام دیر یا زود به مذاکره کنندگان غربی ثابت خواهند کرد که در اشتباه بوده و سرانجام حق قانونی ایران را به رسمیت خواهند شناخت. چنین نگرشی اشتباه خیلی بزرگی در بر خواهد داشت، به همان شکلی که به عکس دیدن نتایج یک آزمایش. آلبرت انشتاین بر این باور بود که «حمایت این است که ما نتایج به دست آمده از یک آزمایش را ندیده بگیریم و دوباره همان آزمایش را تکرار کنیم به این امید که نتیجه دیگری به دست آوریم.»

مذاکره کنندگان ایرانی خیلی به دور از چنین حماقتی هستند و در واقع به عنوان مردان سیاسی و مذاکره کنندگان بین‌المللی خبره در جهان شهرت دارند. با این وجود، وقتی پیروزی یا شکست مذاکرات هسته‌ای از پیش تعیین شده است، بیهوده خواهد بود که نتیجه دیگری را انتظار داشته باشیم. تلاش‌های ایران برای تغییر نتیجه مذاکرات هسته‌ای، با توجه به تحریم‌های جدید، برایشان خیلی گران تمام شده است: هر نوبت از مذاکرات هسته‌ای به گسترش تحریم‌های سخت‌تر انجامیده است.

البته، چنین امری به این معنا نیست که در فقدان مذاکرات، تحریم‌های اقتصادی وجود نخواهد داشت و یا حرکت خشونت‌بار علیه ایران صورت نخواهد گرفت. می‌خواهم بگویم که اگر طرح از پیش تعیین شده است، برای افزایش تحریم‌ها، تأکید روی بهانه اتمی بیهوده خواهد بود و مسخره به نظر می‌رسد.

نقش ریاست جمهوری روحانی

علاوه بر موضوع دیوانگی در شرکت در بازی با کاروان مسخره مذاکرات، کمابیش تمام مذاکره کنندگان ایرانی طی ده سال گذشته در آن شرکت داشته‌اند، ولی رئیس‌جمهور روحانی و گروه مذاکره‌کننده او می‌توانند به دلیل یک اشتباه دیگر، یک اشتباه مفهوم پایه، مورد انتقاد قرار گیرند. در حالی که احمدی‌نژاد و گروه مذاکره کنندگان او طی ریاست جمهوری او هیچ تردیدی در مورد انگیزه ایالات متحده و هم پیمانانش نداشتند و در مقابل درخواست برای کسب امتیاز

یک جانبه از ایران مقاومت کردند، حسن روحانی و گروه او در این مورد در توهم به سر می برند، به همین علت تمام تعهدات یک جانبه را طی آخرین دور مذاکرات پذیرفتند.

این توهمات از روی اعتماد زیادی و بی احتیاطی منشأ می گیرد که گوئی سیاست های مرتبط به تحریم اقتصادی علیه ایران (یا سیاست های امپریالیستی و به طور کلی خشونت) می تواند از طریق شیوه ها و اصول مناسب برای روابط دیپلماتیک تحت تأثیر قرار گیرد. بر این اساس، مسؤلیت بسیاری از تحریم ها (و منفعل ساختن اقتصاد ایران) را به رئیس جمهور سابق محمود احمدی نژاد و شیوه زمخت و رفتار منازعه جویانه یا سیاست های افراطی او نسبت می دهد. روحانی از این برگ تبلیغاتی در رابطه با رئیس جمهور سابق به عنوان بز «گر» گله طی اردوی انتخاباتی در کوران ماه های می و جون ۲۰۱۳ استفاده کرد.

مسئول دانستن دولت پیشین در تحریم های اقتصادی، از روی اعتقاد صادقانه و یا به خاطر محاسبات سیاسی، در هر صورت رئیس جمهور روحانی با چنین رفتاری، و شاید با تفویض مسؤلیت به گروه ایرانی برای خروج از بن بست هسته ای، وضعیت گروه مذاکره کننده خود را در ژنو تضعیف کرد. این موضوع، همانطور که پیش از این گفتیم، نشان می دهد که چرا طی آخرین دور مذاکرات (از ۷ تا ۹ نومبر)، گروه ایرانی پیشنهادات غربی ها را پذیرفتند. این واقعه که ایالات متحده و هم پیمانانش طرح را امضاء نکردند (و مدعی شدند که مفاد پذیرفته شده از سوی ایران برنامۀ هسته ای را به اندازه کافی در بر نمی گیرد) چیزی را در مورد ایران تغییر نمی دهد یعنی این امر که حاضر به امضای قرار داد شده بود.

نتیجه گیری :

آخری سری مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۱+۵ با شکست مواجه شد، نه به این علت که ایران از دادن امتیازات مهم امتناع کرده بود، بلکه به این علت که حق قانونی ایرانی برای کسب فن آوری هسته ای صلح آمیز که منشور منع گسترش سلاح های هسته ای آن را تضمین کرده است، مورد قبول ایالات متحده و هم پیمانانش نیست. سیاست ایالات متحده در رابطه با ایران (یا هر کشور دیگری، در مورد آنچه به این نوع پرونده مربوط می شود) بر اساس طرح امپریالیستی بوده که متشکل از یک سری درخواست و انتظارات است، البته نه در اشکال دیپلماتیک یا در زبانی که معمولاً رهبران سیاسی به کار می برند.

چنین طرحی بر این اساس که ایران از حقوق قانونی خود در مورد فن آوری هسته ای صلح آمیز قطع نظر کند (و نه تنها) و باید با ستراتیژی جغرافیای سیاسی ایالات متحده و اسرائیل برای خاور میانه و منطقه خلیج فارس همراه گردد. این طرح در عین حال بازار ایران را برای داد و ستد آزاد و سرمایه گذاری های امریکائی آزاد می سازد.

از دیدگاه منطقی می توانیم بگوئیم که بر این اساس، وقتی که ایران همکاری و یا مداخله ایالات متحده را در رابطه با مسائلی که به حاکمیت ملی مربوط می شود بپذیرد، کشور در سراسیب سقوط قرار گرفته و به اضمحلال حاکمیت ایران خواهد انجامید : تا وقتی که ایران به کشور مشتری تبدیل نشود، کمابیش مانند اردن، عربستان سعودی و کشورهای دیگر، ایالات متحده رضایت خاطر پیدا خواهد کرد.

اغلب سیاستمداران و تصمیم گیرنده های ایرانی به این موضوع آگاهی دارند. با این وجود، مثل رئیس جمهور سابق رفسنجانی و یا خاتمی، حسن روحانی موضع گیری ابهام آمیزی در رابطه با دکترین امپریالیستی و سیاست خارجی ایالات متحده اتخاذ کرده است. شعار «بهتر خواهد شد» وقتی اعتبار خود را نشان خواهد داد که او و مشاورانش ستراتیژی و نیت ایالات متحده و هم پیمانانش را کشف کنند.

*- [استاد رشته اقتصاد در دانشگاه دریک (در ایالت آیووا). او نویسنده «اقتصاد سیاسی در زمینه نظامی گرائی در ایالات متحده، ۲۰۰۷» و «توسعه ای از نوع اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی غیر سرمایه داری : ناصر در مصر» است و آخرین کتاب او «فراسوی توضیحات شبکه های عمومی در رابطه با بحران مالی : سرمایه مالی انگلی» به زودی منتشر خواهد شد.]

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۶ نومبر ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۴ نومبر ۲۰۱۳

منطقه : خاورمیانه و افریقای شمالی

تحلیل : ایران، هسته نی (جنگ و انرژی)

<http://www.mondialisation.ca/pourquoi-les-negociations-nucleaires-avec-liran-ont-elles-echoue/5359254>